

آسیب‌ایده‌های ناهنجار به اعتماد عمومی در قانون جمعیت



■ **حسام‌الدین علامه، پژوهشگر سالمندی جمعیت**

جناب آقای دکتر امیرحسین بانکی پور نماینده محترم کلاس شهر اصفهان در بهارستان و رئیس کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی و عضو جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی، ابتداء در همایش «ایران جوان» که در یکم خرداد در سالن بیداری اسلامی جامعه الزهراء (س) برگزار شد و سپس در مصاحبه منتشر شده در تاریخ ۲۸ خرداد با خبرگزاری ایسنا، ازدواج بین‌المللی برای ازدواج دختران با سنین بالای ۳۰ سال و نیز برداشتن (محدودیت) سن ازدواج دختران (جوان) به شرط بلوغ اجتماعی رادوکار فوری برای مقابله با «ایربحران پیری» دانستند.

هر چند ایشان بعد از اعتراضات جدی نمایندگان فراکسیون زنان در صحن مجلس مورخ ۲۹ خرداد و فشار افکار عمومی در فضای مجازی، انتشار صحبت‌هایش در همایش ایران جوان را تخطئه شده و شرارت رسانه‌های معاند! و آن سخنان را اختصاصی برای یک همایش علمی دانسته، اما تکرار همان مفاد سخنرانی در مصاحبه اخیر با خبرگزاری ایسنا در دسترس بینندگان بوده و قابل مشاهده و قضاوت است.

ایشان در این مصاحبه می‌گوید: «تعداد دختران و پسران در آستانه ازدواج و زیر ۳۰ سال ما فعلاً به هم می‌خورد؛ اما در خصوص نسل گذشته منظور دختران مجرد بالای ۳۰ سالی هستند که آمار آنها با توجه به سرشماری صورت گرفته در سال ۱۳۹۵ چیزی در حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر را نشان می‌دهد و خانم‌های بالای ۳۰ سال مجردی که در این سن یا مطلقه هستند و یا به هر دلیل همسر خود را از دست داده‌اند، هم بالغ بر ۷۰۰ هزار نفر هستند، یعنی روی هم دو میلیون و ۱۰۰ هزار نفر مجرد ۳۰ تا ۵۰ ساله

وجود دارد که اگر بخواهند طبق عرف ازدواج‌ها با فردی متوسط پنج سال بزرگ‌تر از خود ازدواج کنند، این تعداد پسر مجرد وجود ندارد، بیشترین نگرانی مام‌مخصوص این گروه سنی از جمعیت است؛ و گرنه نگرانی برای دختران ۱۶ تا ۳۰ سال که عموماً با پسران ۲۰ تا ۳۵ سال ازدواج می‌کنند،

وجود ندارد. برای این گروه و پیشنهاد وجود دارد؛ اول ازدواج هم سالان، و توصیه دیگر هم می‌تواند ازدواج بین‌المللی باشد. به این معنی که این قشر از دختران مجرد با توجه به کمبود پسر مجرد در کشور، با مسلمانان و شیعیان علاقه‌مند به ایران ازدواج کنند؛ از این طریق نه تنها توسعه فرهنگی اتفاق افتاده است و ارتباطات بین‌المللی تقویت می‌شود، بلکه این نسبت به هم‌ریخته در کشور نیز بر طرف می‌شود. بعضاً افرادی که به عشق ایران و اسلام در کشور و از ملیت‌های آمریکایی، اروپایی، و آفریقایی و آسیایی هستند، آنقدر عاشق یادگیری اسلام و دین و تشیع هستند، که حتی بعضاً جایگاه ویژه خود در کشورهای مبدا را هم ترک کرده‌اند و به ایران آمده‌اند. در این افراد آنچه‌آن تعلق اعتقادی بالا است که مسئله فرهنگ را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.»

ایشان در بخشی دیگر از مصاحبه در خصوص

برداشتن (محدودیت) سن ازدواج دختران (جوان) به شرط بلوغ اجتماعی می‌گوید:

«برای ازدواج دختران بلوغ عقلی و عاطفی و اجتماعی نیاز است. روان‌شناسان برای سن شناسنامه‌ای موضوعیت زیادی قائل نیستند، حتی یک فرد استخوان خرد کرده هم نمی‌تواند برای ازدواج سن خاصی به شما معرفی کند. مسئله رسیدن به بلوغ فکری و عقلی است. بلوغ مد نظر به صورت نسبی است؛ اما باید توجه داشت که رسیدن به بلوغ عقلی زمان‌زادی نمی‌برد، اگر یک دختر ۱۶ ساله خود و خانواده‌اش مصمم به ازدواج او باشند، با یک برنامه‌ریزی یک ساله می‌تواند به بلوغ عقلی قابل قبول دست یابد. باید فرد به یک حد نصابی از بلوغ فکری و اجتماعی رسیده باشد و البته با تربیت درست حاصل می‌شود، البته تربیت طولانی مدت نیاز نیست با یک برنامه تربیتی یک ساله فرد می‌تواند واجد این نوع از بلوغ شود.»

در نقد منصفانه بیانات ایشان، موارد زیر

قابل توجه می‌باشد:

۱. اصل دغدغه‌مندی ایشان نسبت به موضوع جوانی جمعیت و چالش سالمندی جمعیت ارزشمند و قابل تقدیر است. مسئله جوانی جمعیت یک مسئله ملی و مورد تأکید مقام رهبری و بسیاری از صاحب‌نظران دانشگاهی و حوزوی است؛ از این رو هرگونه مواجهه احساسی، سطحی، کلیشه‌ای، کاریکاتوری و جناحی با آن، بخصوص در شرایط فعلی اقتصادی-اجتماعی کشور، سیاست جوانی جمعیت را از یک نیاز و خواست ملی به یک دستور رسمی و سیاست حکومتی تقلیل می‌دهد؛ در حالیکه در کنار توسعه پایدار زیرساخت‌ها (فراهم آوردن زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، رفاهی، بهداشتی، زیستی و فرهنگی لازم برای داشتن جمعیتی بیش از جمعیت موجود در کشور) و اعطای مستمر و مؤثر تسهیلات مشوق ازدواج و فرزندآوری برای افزایش متناسب جمعیت، اقتناع افکار عمومی و بویژه همراهی و ملل مختلف در مفهوم امت اسلامی به وحدت

نسل جوان آگاه و نخبه، بمنظور افزایش توانمندی و کیفی جمعیت، ضروری است.

۲. ایشان به عنوان شخصیت حقیقی خود و یک عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اهل بیت می‌تواند ایده‌پردازی نماید ولی با توجه به شأن و جایگاه حقوقی سیاستگذاری و قانون‌گذاری در مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی جمعیت، نباید باعث وهن و تمسخر قانون جوانی جمعیت و تشویش اذهان عمومی و فروکاستن سرمایه اجتماعی جامعه ایرانی به ویژه بانوان گرانقدر این مرزوبوم گردد.

۳. یکی از مصائب شایع و مدیریتی در روزگار اخیر، بدفهمی سطحی نگرانه و برداشت‌های متحجرانه و اخباری مسلکانه عده‌ای از تحصیل‌کردگان جوان مذهبی حوزوی و دانشگاهی بویژه بعضی از دانشگاه‌های خاص، نسبت به بیانیه کام‌دوم رهبر فرزانه انقلاب برای نیل به تمدن نوین ایرانی اسلامی می‌باشد؛ همانگونه که در علوم انسانی جدید، ضروری است که بومی‌سازی نظریات علمی و مدل‌های اجرایی، متناسب با زیرساخت‌ها و ارزشهای فرهنگی جوامع صورت پذیرد و از کپی برداری پرهیز شود، در اقتباس از معارف اسلامی برای نظریه‌پردازی‌های اجتماعی-اقتصادی و مدیریتی و مدل‌سازی‌های اجرایی نیز، باید محدودیت‌های عصر حیرت و غیبت طولانی امام معصوم عج، مقتضیات زمانه و تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگی و تمدنی جامعه ایرانی معاصر مورد توجه قرار گیرد و البته همچنین، یافته‌های ارزشمند علم روز و تجارب مثبت دنیای معاصر که منافاتی با گفتمان معرفتی توحیدی ندارند، مورد بی‌مهری، بهتان و حذف بی دلیل قرار نگیرند. شاید دلیل ایده‌پردازی عجیب جناب ایشان در این فقره نیز از همین جنس باشد؛ در رویکرد اسلامی، ممالک اصلی فضیلت آدمی، ایمان و تقوی اوست و تکرر اقوام و ملل مختلف در مفهوم امت اسلامی به وحدت

می‌رسند؛ اما به راستی بدون فرهنگ‌سازی و ایجاد بسترهای تحقق یک الگوی هارمونیک و غیر کاریکاتوری از مفاهیم ارزشمند اسلامی، میتوان ارزش‌های منسوخ شده را یک شبه به عنوان توصیه و سیاست اجرایی ترویج نمود؛ آیا در این صورت، آن ارزش متعالی به عنوان یک ضد ارزش و ناهنجار باعث از هم گسیختگی اجتماعی و استنکاف عمومی نمی‌گردد؟ برای فهم موضوع مناقشه، مختصراً به نقش مقتضیات زمان و مکان در اجتهاد پویا برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی اشاره می‌کنم: امام صادق - علیه السلام - فرمودند: العالم زمانه لا تهجم علیه اللوایس؛ «کسی که به زمان خویش آگاه باشد، لغزش‌ها و اشتباهات او را احاطه نخواهد کرد.»؛ شهید مطهری می‌نویسد: «نیازهای بشر دو گونه است: ثابت و متغیر؛ در سیستم قانون‌گذاری اسلام برای نیازهای ثابت، قانون ثابت وضع شده و برای نیازهای متغیر، قانون متغیر» که همان قوانین اجتماعی اسلام است، که به حسب تحولات جوامع و مقتضیات زمان، تغییر می‌کند و نقش زمان و مکان در اجتهاد، در این قسم از احکام، بیشتر ظهور پیدا می‌کند. ساختار قانون‌گذاری اسلام اقتضا می‌کند که احکام اجتماعی اسلام در اثر تغییر موضوعات آن، تغییر کند؛ براتحولات جوامع به حسب شرایط زمانی و مکانی و همین طور نیازهای انسان متفاوت است و مسلم است که شرایط و تحولات جوامع در استنباط احکام تأثیر دارد. به قول شهید مطهری، شرایط و محیط‌های گوناگون در افکار فقیه تأثیر دارد و از این روست که فتوای عرب بوی عرب می‌دهد و فتوای عجم بوی عجم می‌دهد. پس نمی‌توان بدون توجه به تحولات جامعه و اعتبارات و هنجارهای عرفی و یا حداقل حرکت فرهنگی تدریجی برای اصلاح موارد در سوخ یافته مغایر با ارزش‌های متعالی دینی، اقدام به توصیه‌های جامعه‌گریز نمود. ضمن اینکه در اسلام نیز ازدواج با هم کفو توصیه شده و ازدواج یک بانوی مسلمان با مرد متخلق و مومن که مثلاً فقیر یا از نژاد